

بررسی ضرورت منطقه‌گرایی انتقادی در توسعه معماری امروزی

تینا تجدد، سید یحیی اسلامی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۳/۱۴

چکیده

معماری ایران که در دوره معاصر تحت غرب زدگی و انحطاط، اصول خود را که یکی از مکاتب مهم معماری جهان محسوب می‌گردد، فراموش کرده است. همچنین عدم توجه به فرهنگ که سال‌ها تلاش پیشینیان بوده است، مسئله ایست که گریبانگیر وضعیت فعلی معماری معاصر ایران است. این پژوهش به بررسی ضرورت منطقه‌گرایی انتقادی در راستای توسعه معماری ایران می‌پردازد. هدف اصلی؛ اولویت بندی اصول معماری ایران تحت شاخصه‌های منطقه‌گرایی انتقادی است. ابتدا به بیان مسئله و هدف پژوهش سپس به بیان مفاهیم نظری ادبیات پژوهش در قالب پیشینه پژوهشی پرداخته شده است. از نرم افزار SPSS در روش تحقیق استفاده شده است. در آخر، اصول معماری ایران از رتبه یک به آخر؛ بترتیب عبارت است از: خودبسندگی، درون‌گرایی، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش. در بخش نتیجه با رتبه بندی اصول و ارزیابی رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی مشخص گردید؛ خودبسندگی و درون‌گرایی بیشترین تأثیر و نیارش کمترین تأثیر را داشتند. این بدان معناست که دخالت منطقه‌گرایی انتقادی در بافت‌های تاریخی کمترین تأثیر و مانع از دیده منطقه‌گرایی انتقادی بوده و می‌توان با حفظ اصول فرهنگی و منطقه‌ای نگاهی جهانی داشت بدون اینکه سنت را به فراموشی سپرد.

واژگان کلیدی

معماری، منطقه‌گرایی، منطقه‌گرایی انتقادی، معماری ایران، اصالت.

tajaddoodti@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

** استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تینا تجدد با عنوان "طراحی خانه فرهنگ اتحادیه با رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی" با راهنمایی دکتر "سید یحیی اسلامی" در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب است.

مقدمه

معماری مقوله‌ای فرهنگی است و محتملأً بی ارتباط با گذشته نیست (کشاورز و کمالی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵). در نتیجه آنچه یک معماری را برای ساکنین بیگانه می‌کند، خدشه دار شدن اصالت فرهنگی و بومی آن است که طی سالیان متعددی شکل گرفته و به واسطه آن، مردم آن را متعلق به خود می‌دانند. به نظر می‌رسد ساخت و سازهای دهه های اخیر بدون در نظر گرفتن ارزش‌های فرهنگی، چهره شهر را برای ساکنین بیگانه نموده است. این در حالی است که، در سال‌های گذشته روند آرام تغییر شکل و نوسازی شهرهای تاریخی گذشته را عمدتاً معیارهای فرهنگی تعیین می‌کردند. این معیارها در طی زمان شکل می‌گرفتند و ابزارهای فنی اندک آن دوران تأثیر ناچیزی بر این روند داشتند(کشاورز و کمالی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵).

معماری ایران که در دوره معاصر تحت غرب زدگی و انحطاط، اصول خود را که یکی از مکاتب مهم معماری جهان محسوب می‌گردد فراموش کرده است و همچنین دانشکده‌های معماری تحت تأثیر معماری‌های غربی بدون توجه به اصالت و ساختار ماهیت مکاتب، تلاش به تقلید صوری و سطحی نموده اند که موجب شده که معماری معاصر ایران حرفی برای گفتن نداشته باشد و همچنین عدم توجه به زمینه و بوم و فرهنگ که سال‌ها تلاش پیشینیان و اعتقادات بوده است؛ مسئله ایست که گریبانگر وضعيت فعلی معماری معاصر ایران است و این همان نقد معماری پست مدرن به معماری مدرن بود(اقلامی و قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۲).

اما امروزه با توجه به فناوری‌های متنوع ساخت و فرهنگ محیطی منطقه که بنا در آن طراحی می‌شود، کمرنگ‌تر شده است و ساختمان‌ها با اشکال متنوع و بدون در نظر گرفتن بافت پیرامونی، از زمین سر برپون می‌آورند. به طوری که نمی‌توان رابطه معنی داری را مابین ساختمان‌های جدید و بنای‌های با ارزش قدیمی و معماری قدیمی آن منطقه برقرار نمود(اقلامی و قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۲). در نتیجه این معنا افزایش می‌یابد که احساس تعلق به ساختمان‌های جدید چنان‌به چشم نمی‌خورد. از این‌رو، برای ارتقا و حفظ فرهنگ و هویت مردم یک منطقه، می‌باشد بدبانی راهکاری در معماری باشیم.

نگاه جهانی به اعتقادات محلی، معماری را صرف کالبد و عملکرد بیان می‌داشت(Tzonis, 1981: 164). در معماری علاوه بر اینکه نادیده گرفتن ملاحظات اقلیمی و فرهنگی محیط در قالب عدم توجه به مصالح بوم آورد و شیوه‌های ساخت محلی می‌تواند منجر به اتلاف انرژی‌های تجدید ناپذیر و مشکلات زیست محیطی گردد، می‌تواند زمینه ساز عدم مقبولیت قرار گرفتن بنا توسط جامعه شده و در مدت زمان منجر به تغییر شیوه زندگی در جامعه که سنتیتی با فرهنگ ندارد، گردد(Tzonis, 1981: 164).

این بدان معناست که؛ چنانچه بنایی با ملاحظات جهانی ساخته شود ممکن است موجب عدم پذیرش توسط جامعه و عدم هماهنگی و همساختی با الگو‌های جاری فعالیت و هنجارهای جامعه و در نهایت ترک بنا توسط جامعه گردد. که گاه‌آ در سطح بالاتر منجر به تخریب حتی قبل از اتمام عمر مفید بنا گردد که این موجب اتلاف انرژی و هزینه می‌گردد که معمارانی چون آلتو، لوی کان و رایت در ابتدای مکتب مدرن به این موضوع توجه کردند (هلد، ۱۳۸۲: ۱۶). ولی واقعیت امر فراتر از این مسئله است نگرش مدرن دارای اشکالات ساختاری بوده و این مسئله تا حدودی به ماهیت جهانی آن باز می‌گردد(هلد، ۱۳۸۲: ۱۷).

منطقه گرایی انتقادی^۱ به هیچ وجه به منظور ایجاد معماری تاریخی نیست بلکه حتی به نو بودن و فن آوری تأکید شده است (Tzonis, 1981: 164). در این نگرش معماری با حفظ نگرش نوآورانه توجه به مسائل اقلیمی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. الکساندر زونیس و لیان لفور در مقاله‌ای ادعا می‌کنند؛ نیاز نیست که فرم‌ها از محیط اقتباس گشته و عیناً به همان شکل در اثر معماری انعکاس یابند، بلکه این فرم‌های آشنا می‌توانند به شکلی نوین و حتی ناآشنا در نگاه اول در بنا ظاهر شوند. هدف از بین بردن ماهیت لامکان سبک بین‌المللی^۲ است(Tzonis, 1981: 164).

گستردگی و سرعت ارتباطات در دهه‌های اخیر نوعی آمیختگی و آمیزش فرهنگی را دامن زده است. فرهنگ‌ها بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده و معادلات دو قطبی گذشته که مرزهای فرهنگی را مشخص و از هم جدا می‌کرد؛ مانند ما و دیگران، خودی و غیر خودی، شمال و جنوب، به طور عمیقی رنگ باخته‌اند. از سوی دیگر، رویکرد منطقه گرایی در معماری بر حفظ ویرگی‌ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد و برای اصالت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است(Tzonis, 1981: 164).

در این مقاله ابتدا ادبیات مربوط به منطقه گرایی را بررسی می‌کنیم؛ سپس به منطقه گرایی انتقادی می‌پردازیم. اصول رایج شناسایی شده در این پژوهش به کمک روش کتابخانه‌ای و پرسش نامه استخراج و به روش کولموگروف اسمیرنوف و ضربه هبستگی پرسون و در آخر از آزمون فریدمن برای رتبه بندی متغیرهای رابطه دار با منطقه گرایی انتقادی، که همه مربوط به نرم افزار^۳ SPSS هستند؛ استفاده می‌گردد.

هدف پژوهش، اولویت بندی اصول معماری ایران تحت شاخصه‌های منطقه‌گرایی انتقادی است. در این میان سؤال اصلی آن است که چگونه می‌توان پلی میان حفظ ارزش‌های گذشته و در عین حال معماری جدید و رو به فردا دست یافت؟ انعطاف‌پذیری ساختار نظری منطقه‌گرایی، می‌تواند متناسب با تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی، رابطه‌ی معماری و بستر فرهنگی را بازتعریف نماید.

روش تحقیق

متداول‌ترین تحقیق در مقاله حاضر از نقطه نظر هدف، کاربردی بوده، از لحاظ نوع تجزیه و تحلیل یک پژوهش کمی و از نظر جمع آوری اطلاعات و داده‌ها، توصیفی و از شاخه پیمایشی دلفی می‌باشد؛ که هدف آن کسب اتفاق نظر از عموم و مخاطبین این پژوهش حول موضوع مقاله است. در این مقاله بدبان مطالعه و بررسی رابطه منطقه‌گرایی انتقادی با اصول بازنده سازی معماری ایران در بافت‌های تاریخی در منطقه ۱۲ تهران بعنوان مطالعه موردی می‌باشیم.

سپس پرسشنامه‌ای ساختارمند، در مورد ارزیابی شاخصه‌های معماری اصیل در کنار ویژگی‌های منطقه‌گرایی انتقادی تنظیم گردید که برای عملیاتی کردن شاخص‌ها برای پاسخ‌ها نمره از ۱-۵ تعیین گردید. سپس نظر عموم و مخاطبین این پژوهش در مورد انتخاب نمره از فضای برتر با رویکرد احساس فضایی و کیفیت فضایی و احساس تعلق به مکان با اصالت گرد آوری گردید و نتایج حاصل از انتخاب فضای برتر، نشان از همبستگی بین پارامترهای دو اصول بود و در نهایت اصول منطقه‌گرایی انتقادی از جهت میزان برخورداری فضای برتر از آن اصول مورد استناد قرار گرفت و رتبه بندی گردید.

پیشینه تحقیق

مقاله «منطقه‌گرایی انتقادی» از منتقد بنام معماری کنت فرامپتون در سال ۱۹۸۳، عملاً تبلور ترکیب تمامی این لایه‌ها با یکدیگر و گذر آن ها از حوزه برنامه‌ریزی به معماری است. این مقاله پاسخی است به یکنواختی مدرنیته در مواجهه با تنوع اقلیمی و اجتماعی، روح مشترک در آثار معماران نزدیک به این گرایش، پاسخ به شرایط محلی بر پایه سنت‌های بومی با نیم نگاهی به مدرنیته است (Frampton, 1983).

پالمر در سال ۱۹۹۱، در مقاله‌ای درباره نظریه‌های کلاسیک منطقه‌گرایی چنین بیان نمود، منطقه بیشتر یک مفهوم جغرافیایی است و بر حسب عامل جغرافیای سرزمینی و طبیعی تعریف می‌شود. به طوریکه جغرافیا یا زیست بوم تنها مخرج مشترکی است که کشورها یا مناطق فرعی را به هم پیوند می‌زند (Palmer, 1991).

هورل، در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۵ بیان کرد؛ منطقه‌ای شدن بعنوان رشد همگرایی اجتماعی در یک منطقه شناخته شده است که به شکل گیری اصالت منطقه کمک می‌نماید. در این راستا نظریه‌های معناگرا بر خودآگاهی و اصالت منطقه‌ای، احساس مشترک تعلق داشتن به یک اجتماع منطقه‌گرایی شناختی نامیده می‌شوند، تأکید می‌کند (Hurrell, 1995).

برگ در سال ۱۹۹۶، در مقاله‌ای درباره مژهای معماری چنین بیان نمود؛ با توجه به تعریف نوین سرزمین بدون مرزهای جغرافیایی، تأکید بر عوامل غیرمادی در نظریه‌های منطقه‌گرایی افزایش و گسترش یافت. به طوریکه نظریه‌های معناگرا در حوزه مطالعات منطقه‌ای و منطقه‌گرایی ظهر کردند. در این نظریه‌ها به جای معیارهای عینی، جغرافیا و ابستگی متقابل مادی، برایده و انگاره‌های شناختی و ایستاری ناشی از فرآیند جامعه پذیری منطقه سازان و بررسازی اجتماعی منطقه تأکید و تمرکز می‌شود (Berger, 1996).

میلر در سال ۲۰۰۲ بیان کرد؛ نظریه پردازان حکومت کلان شهری استدلال می‌کنند که باید بین نوع سیستم سازمانی و حکومتی یک شهر - منطقه با کلیت ارگانیک و قلمرو عملکردی آن انتباط وجود داشته باشد. عدم انتباط قلمرو سازمانی حکومتی محلی با قلمرو عملکردی شهر - منطقه‌ها را می‌توان عمدت ترین چالش در اداره و حاکمیت این مناطق دانست (Miller, 2002).

زونیس و لفور در سال ۲۰۰۳ در مقاله‌ای بیان نمودند؛ وظیفه منطقه‌گرایی تجدید نظر درباره معماری با توجه به مفهوم منطقه است. این موضع به پیوندها و روابط انسانی، تعادل اکوسیستم و ماسیل حواشی زیست محیطی مربوط می‌شود (Zonies, Lefaivre, 2003). مطابق نظر الکساندر زونیس و لیان لفور، منطقه‌گرایی انتقادی به طور مستقیم از مفهوم "به جای عناصر رایج می‌توان از چهار چوب‌های ساده، اما در راه‌های ناآشنا استفاده نمود"، استخراج می‌شود (Tzonies, Lefaivre, 2003).

لارنس در سال ۲۰۰۳ درباره منطقه‌گرایی گفت؛ منطقه‌گرایی به جای اینکه مقدمه جهانی شدن باشد و نقش پلی بین ملی گرایی و جهان گرایی را ایفا کند، خود راهبرد و وضعیت مستقلی است که بین این دو قرار دارد و از هر دو متمایز و متفاوت است (Lawrence, 2003).

نسبتی در سال ۲۰۰۷ نظریه‌های پسامدرن در معماری بیان نمود؛ منطقه‌گرایی درپی تخریب مدرنیسم جهانی بوده و از پسامدرنیسم به جهت تقلیل معماری در نشانه‌هایی از ارتباط طراحی ساختمان با محیط بومی انتقاد می‌نماید (نسبتی، ۲۰۰۷).

شولتز در سال ۲۰۰۷ در «مقاله‌ای تحت عنوان گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان» بیان نمود؛ از زمان‌های دیرین ویژگی منطقه‌گرایی به عنوان حال و هوا شناخته شده است و ساختمان‌های تاریخی، گرچه به سبکی عام تعلق داشته اند اما معمولاً دارای حال و هوای محلی مشخصی بودند. بنابراین معماری به انسان کمک می‌کرد که خود را با روحیه‌ی مکان یکی بداند و به او حسی از تعلق و ایمنی دست دهد (نوربرگ شولتز، ۲۰۰۷). شایان در سال ۲۰۰۸ در مقاله «معماری در زمینه‌ی بیگانه»؛ منطقه‌گرایی یکی از رویکردهای معماری است که در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می‌کند (شایان، ۲۰۰۸). ابل در سال ۲۰۰۸ در کتاب معماری و هویت بیان کرد که، منطقه‌گرایی تلاشی در جهت بازگرداندن آن چیزی به معماری است که مدرنیسم از معماری حذف کرده است. از طرفی تلاش برای حفظ تداوم و بین اشکال ساختمانی فعلی با طراحی نوین از گذشته در مکانی فرضی است (ابل، ۲۰۰۸). حسینی در سال ۲۰۱۰ در مقاله تبیین و تدوین گرایش‌های معماری معاصر ایران با مطالعه معماری شهر تهران چنین بیان کرد؛ منطقه در اصل و ریشه خود به معنای خط، جهت و نیز تاچیه و بخش است. مشخصه منطقه داشتن خصلت و خصوصیتی است مبنی بر مکان و اساساً واژه‌ای دال بر جغرافیا است (حسینی، ۲۰۱۰).

ادبیات نظری پژوهش

تاریخچه پیدایش منطقه‌گرایی

قدمت آگاهی از معماری منطقه‌ای به عنوان شاخصه‌ای برای اصالت گروهی خاص به یونان باستان برمی‌گردد. یونانی‌ها در متن سیاست کنترل و رقابت شهر رقابت در شهرها و مستعمرات خود از عوامل معماری برای نمایش اصالت گروه حاضر در یک منطقه استفاده کردند. معماری منطقه‌ای با ابتدایی ترین مفهوم آن یعنی توجه به شرایط و ویژگی‌های محلی، قدمتی به اندازه تاریخ تمدن بشر دارد و می‌توان ریشه‌های آن را در مکتوبات یونان باستان جستجو کرد؛ مشخص ترین مرجع طراحی منطقه‌گرایی «ده کتاب معماری» ویتروویوس است (Tzonis, Eggener 2003:111). تنواع معماری از دیدگاه ویتروویوس نتیجه ویژگی‌های فیزیکی، ذهنی و رفتاری مردم هستند (Eggener, 2002:228). همانطور که ویتروویوس می‌گوید: "اگر قرار است خانه‌های شخصی درست طراحی شوند، باید در ابتدا به سرزمین‌ها و اقلیم‌هایی که خانه‌ها در آن ساخته می‌شوند توجه کنیم" (ویتروویوس، ۱۳۹۱:۲۲۳).

عملکردگرایی مدرن به علت «وجه معنا شناختی گریز ناپذیر»ی که معماری واحد آن است، در ایجاد معماری «ماشین وار فاقد معنا» شکست خورد (نسبتی، ۱۳۸۹:۱۳۵). مسئله اصالت، از زمان مدرنیته با عقل گرایی محض و انسان مداری مطرح شد. در این دیدگاه به مردم با فرهنگ‌های متفاوت به عنوان بشریت و یک کل برخورد گشت و نیازهای فرهنگی و اجتماعی نادیده گرفته شد (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹:۱۱۷). سبک پست مدرن سعی بر این دارد که باز دست به سوی نقاط اتکاء باقی مانده در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ایدئولوژی دراز کند و به آن‌ها قدرت بیانی در قالب فرم بدهد (گروتر، ۱۳۹۰:۵۲۱).

از مهم ترین مسائلی که در معماری پست مدرن^۴ عنوان شد، توجه به منطقه، زمینه و بستر معماری می‌باشد. از دست رفتن خاصیت بومی از معماران مدرن، مورد انتقاد معماران انگلیسی قرار گرفت. در سمپوزیوم هنری سال ۱۹۶۸ به محدودیت‌های مدرنیسم از دیدگاه بنیان نمادین اشاره شد. در این سمپوزیوم^۵ «هنری راسل هیچکاک^۶» این مسئله را عنوان کرد که آن قابلیتی را که معماری سنتی در بیان یادواره‌ای دارد، در معماری مدرن نمی‌توان یافت (جودت، ۱۳۸۴:۸۱). بدین ترتیب بار دیگر نظریات منطقه‌گرایی جای خود را در معماری پیدا کرد. به زعم منطقه‌گرایان، توجه به مکان البته نه از دیدگاه معنی لغوی به نشانه‌جا، بلکه به عنوان مشخص کننده اقلیم، فرهنگ و ... از یک منطقه خاص است، از الزامات معماری است (جودت، ۱۳۸۴:۸۱). ویژگی منطقه‌ای خاصیت هر معماری معتبر است. از آنجا که تمام ساختمان‌ها بخشی از اینجای معین را شکل می‌دهند، نمی‌توانند همه‌جا مانند هم باشند، بلکه باید ویژگی‌های خاص مکان معین را در بر داشته باشند" (شولتز، ۱۳۹۱:۱۳۹۷). بدین ترتیب منطقه آن معماری هستند که با در نظر گرفتن پیشرفت‌های صنعت ساختمان سازی و دستاوردهای جدید در زمینه معماری، اصالت معماری هر منطقه را به زبانی نو و مدرن^۷ بازخوانی کنند (Kostof, 1990: 90).

مفهوم واژه منطقه

منطقه^۸ در لغت نامه دهخدا به معنای بخشی از کره زمین که مختصات مخصوص خود را دارد، تعریف شده است. اما در حقیقت این واژه، تعریف مبهمی دارد و ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروه‌ها، ترکیب‌های متعارف جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده‌های سیاسی رجوع کند. با این تعاریف، این تصور که میان منطقه و ملت و بین منطقه وجود نسبت مستقیمی وجود دارد؛ به ندرت مد نظر قرار می‌گیرد (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷:۱۱).

منطقه در اصل و ریشه خود به معنای خط، جهت و نیز ناحیه و بخش است. مشخصه منطقه داشتن خصلت و خصوصیتی است مبتنی بر مکان و اساساً واژه ای دال بر جغرافیا است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). این واژه ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروهها، ترکیب‌های متعارف جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده‌های سیاسی رجوع کند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰). "لویس مامفورد^۹ از منطقه چنین تعبیر می‌کند که ما بین قاره و یک روستا فضایی وجود دارد که گاهی به مثابه دولتی وسیع و دیگر گاه بسیار کوچک است و آن منطقه انسانی است" (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۹: ۱۷).

منطقه گرایی

تعريف منطقه گرایی به تبع تعدد و سیر تحول در انواع رویکردهای این نظریه، طیفی وسیع و گاه متضاد را در بر می‌گیرد. در نگاه کلی می‌توان گفت که توجه به ویژگی‌های زیست بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های محلی از نکات مورد توجه منطقه گرایی به حساب می‌آیند. منطقه گرایی نظریه‌ای است که از مقاومت در برابر صورت‌های مختلفی از برتری جویی، جهانی سازی و یا ساختارهای استاندارد شده که تفاوت‌های بومی را کاهش می‌دهند، حمایت می‌کند (مهدوی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۴).

منطقه گرایی، یکی از رویکردهای معماری است که در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می‌کند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰). این خصوصیات در نهایت، به معماری "حال و هوا" بخشیده و حس مکان را در مواجه با فضاهای تقویت می‌کنند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰).

در عرصه معماری، منطقه گرایی را در گسترده ترین معنی آن می‌توان آموزه‌ای دانست که خواستار باز آمدن، باز آوردن است. منطقه گرایی در مقابل با هجوم یکسان سازی فرهنگی، علاوه بر انطباق با شرایط زیست بوم و اقلیمی، و تأکید بر طراحی با تمرکز بر نیازها و قابلیت‌های محلی، توجه خود را براستفاده از نقش‌ها، نشانه‌ها، اجزاء و عناصری از معماری با ارزش فرهنگی و تاریخی معین معطوف داشت (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸). طرفداران این نظریه عقیده دارند که معماری باید انکاس دهنده ویژگی‌های خودی بوده و مستقل از دیدگاه احساسی تعريف منطقه، سنت و تاریخ در یک کشور باشد (میر مقدمی، ۱۳۸۳: ۳۶).

بررسی منطقه گرایی با معرفی دو مفهوم امکان پذیر است: یکی «خصوصیات جامعه‌ای» و دیگری «امتزاج». خصوصیات جامعه‌ای، معرف ویژگی‌های جغرافیایی، آب و هوایی و شکل شناسی محل مزبور و رویه‌های اجتماعی هستند که به محلی خاص «حس مکان» و به یک محیط «ویژگی خاصی» می‌بخشد. امتزاج اشاره به روندی دارد که از خلال آن تجلی فرهنگ هر جامعه، با فرهنگ‌های موجود در منطقه ای خاص تأثیرات متقابل دارد و به این ترتیب این فرهنگ غنی شده و ترکیب‌های تازه ای را پدید می‌آورد (سراج الدین، ۱۳۷۶: ۵۹).

جدول ۱- دیدگاه نظریه پردازان پیرامون منطقه گرایی، منبع: نگارندگان

دیدگاه و اندیشه	اندیشمند
منطقه گرایی علاوه بر تأکید بر وجود ویژگی‌ها و تفاوت‌ها، به فرهنگ جهانی نیز نظر مثبت دارد. معماری منطقه گرا؛ گوناگونی، آزادی و بسط یافتنگ را تصویر می‌کند.	هarris (Harris)
منطقه گرایی مبتنی بر مدارا و ملی گرایی مبتنی بر غرور است.	Beri (Beri)
اصلی ترین تفاوت منطقه گرایی و قوم گرایی در نگاه به آینده است.	Newcom (Newcom)
منطقه گرایان سعی دارند ویژگی‌های منطقه‌ای را با مؤلفه‌های جهانی نظری فناوری و اندیشه‌های انتقادی پیوند زنند، منطقه گرایی چالشی در برابر ملی گرایان و سلطه دولت‌های ملی است.	Mamford (Mamford)
معرفی منطقه گرایی به عنوان یک حد واسط بالقوه و غیرقابل بازگشت بین دو موقعیت سنت پست مدرنیست؛ یعنی نوگرایان و آونگاردا (دیبا، ۱۳۷۹).	کنت فرامپتون Kenneth Frampton
منطقه گرایی اصلی (مدرن) توجه به مکان و فناوری، ترکیب آموزه‌های مدرن با سنت محلی.	ویلیام کرتیس William Curtis
برقراری پلی بین فناوری و فرهنگ (از طریق بیان ترکیب بندی سازه‌ها، زیبایی شناسی، سازمان بنا و جمع بندی فنی و مصالح به کار رفته در زمان و مکان معین).	کن یونگ Ken Yung
منطقه گرایی جدید: رویکردی خلاق به جای رویکرد رجمت گرا، حفاظت خلاق به جای تقلید یا حفاظت است.	Gidion (Gidion)
هدف منطقه گرایی، حفظ تنوع و تفاوت در عین سود بردن از مزایای جهانی است.	الکساندر زونیس Alexander Zounis
منطقه گرایی انتقادی: معماری باید معنا را برانگیزد، نه احساسات و هیجانات را.	Sholtz (Sholtz)
بخشیدن حال و هوا به معماری و تقویت حس مکان (شولتز، ۱۳۸۲).	Ozkan (Ozkan)
آنچه مورد مخالفت معماران منطقه گرا واقع شد مدرنیسم نیست؛ بلکه گرایش به سبک بین المللی است.	

منطقه گرایی
پیرامون مفهوم منطقه گرایی

این رویکرد، دارای جایگاهی ویژه و سابقه‌ای دیرینه در سیراندیشه‌های معماری است. توجه به این ارزش‌ها در دوره‌های مختلف تاریخ معماری با افراط و تغیریت‌هایی همراه بوده و با اهداف مختلفی دنبال شده است که گاهی به عنوان ابزاری برای برتری جویی و ثبت اندیشه‌های تعصب گرایانه و ملی گرایی افراطی به کار رفته گاه به منظور تعدیل پیامدهای منفی دوره مدرن و در سال‌های اخیر در راستای مواجهه با پدیده جهانی شدن و یکسانی محیط مورد توجه قرار گرفته است (بازیزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰).

منطقه گرایی، در زمان حاضر، می‌تواند بر جنبه‌های انعطاف پذیر و بازآفرینی خوبیش تأکید کرده و منطقه گرایی در واقع این نیست که از عناصر محلی قابل دسترسی استفاده کرد یا از شکل ساده ساختمان دیگری که متعلق به اجداد و نیاکان ماست، تقیید نمود، بلکه چیزی است که در جهت بهبودی قدم بر می‌دارد (سراج الدین، ۱۳۷۶: ۵۶). به تعبیر دیگر، مسئله اساسی امروز ما، توجه همزمان به، زندگی مشترک بین المللی و ویژگی‌های خاص محل است (Lang, 1997: 2).

رویکرد منطقه گرایی

رویکرد اصلی منطقه گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه‌های ویژه مکانی است. به عبارت دیگر از آنجا که انسان‌ها در عین تملک فرهنگ منطقه‌ای وارث و وجود آورنده فرهنگی جهانی نیز هستند باید شناختی از تعامل آن دو به دست آورند (Frampton, 2000: 169). «منطقه گرایی رویکردی است در طراحی، که برای اصالت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است» (Tzonis, 2003: 10). اما این امر مانع پذیرش تأثیرات جهانی نیست.

منطقه گرایی به عنوان رویکردی که ردپای آن حتی در اقدامات سیاسی و مدنی یونان، روم و ایران باستان نیز قابل شناسایی است. از نیمه دوم قرن ۱۸ بود که با اقبال زیادی در حوزه معماری و شهرسازی رو به رو گشت و توجه سیاری از نظریه پردازان و معماران را به خود جلب نمود؛ چرا که در این دوران تحت تأثیر نگرش رمانتیک حاکم، آرمان‌هایی همچون حفظ زبان و هنر فولکلور^{۱۰} و بازگشت به ریشه‌ها رواج یافته و اصالت ملی به ابزاری جهت مقاومت دول اروپایی در مقابل قدرت ماهر فرهنگی، یعنی فرانسه بدلت شده بود. عاملی که سبب می‌شد حفظ ویژگی‌های منطقه‌ای و بومی معماری در سرزمین بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۱).

منطقه‌ای شدن، موضوعی فراتر از سبک‌گرایی و تزئینات است. منطقه گرایی اصلی به حرکت‌های اشاره می‌کند که بازتولید غیرمسئولانه بر اساس دستورالعمل‌های بین‌المللی را نپذیرفتند، و در جستجوی تداوم سنت‌های بومی هستند. شکی نیست که این حرکت‌ها، بازتابی از روحیه استقلال طلبی فزاینده در کشورهای جهان سوم پس از دوران استعمار است و چه بسا به عکس‌العمل فراگیرتری بر ضد الگوهای ساده‌انگارانه مدرنیسم مبدل شده است. در کنار واژه مکان که پیشتر به آن اشاره شد، منطقه گرایی نسبت به فناوری نیز توجه دارد (فروتن و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۷). در این نگرش معمار و طراحان شهری یا حتی منظر، عوامل و فاكتورهای زمینه را به دو دسته‌ی، عوامل اصلی و عوامل فرعی تقسیم می‌کنند، که خود تابع فاكتورهایی مانند موضوع طرح و زمینه طرح می‌باشد؛ میزان تأثیرگذاری آن‌ها تفاوت دارد. در این دیدگاه، استمرار یا تداوم زمانی در اتصال گذشته با آینده نقش دارد. در این حالت به جای باور داشتن و پذیرفتن انقطاع تاریخی، گذشته آستانه‌ای برای ورود به آینده تلقی می‌شود. بهره گیری از اصول طراحی گذشته و ترکیب آن با اصول طراحی نوین، امکان توفیق این پیوند را میسر می‌سازد. در این شیوه‌ی نگرش، نوآوری لزوماً نفی گذشته نیست، بلکه تکمیل گذشته است (تولابی، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

جدول ۲- ویژگی‌های معماری منطقه‌گرا، منبع: نگارندگان

۱. همساز شدن بنایهای با ساختمان‌های پیرامون.
۲. خرد کردن بنایهای عظیم به قطعات ریز تر برای حفظ مقیاس انسانی.
۳. استفاده از مصالح بومی سایت.
۴. توجه به ویژگی‌های خاص هر مکان در کنار الزامات طراحی.
۵. ریشه داشتن فرم بنا در سنت‌های موجود در سایت.
۶. معماری در جست و جوی اصالت.
۷. مبارزه جهت ابقاء سنت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی ساکنان منطقه.
۸. افزایش حسن تعلق به مکان با استفاده از الگوها و سمبول‌های بومی.
۹. واسطه گری میان تمدن جهانی و بومی و محلی.
۱۰. حفظ و ایجاد تداوم بین اشکال ساختمانی حال و گذشته.

در چنین دیدگاهی بنا به مثابه عنصري تعاملی، پیوند دهنده بناهای متفاوت به لحاظ تاریخی و کالبدی است و از تضاد شکلی معماری دوره‌های مختلف می‌کاهد. چنین طراحی وحدت بخشی، قادر خواهد بود همه اجزا را به گونه‌ای به هم پیوند دهد؛ که بیننده شکافی ناگهانی میان ساخت و ساز قدیم و جدید را نبیند. بنابراین زمان به خودی خود عامل انسجام و گسیختگی نیست و می‌توان از آن برای رسیدن به اهداف گوناگون در طراحی کالبدی-فضایی استفاده کرد و نوآوری در طراحی را با حفظ استمرار زمانی در تناقص نمی‌بیند (تلایی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

منطقه‌گرایی انتقادی

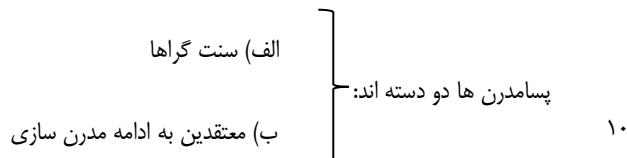
منطقه‌گرایی انتقادی، شاخه‌ای از معماری است که تلاش می‌کند تا با بی‌مکانی و نبود معنا در معماری مدرن از طریق به کارگیری نیروهای مبتنی برای به دست آوردن معنا و حس مکان مقابله نماید. این اصطلاح نخستین بار توسط الکساندر زونیس و لیان لفور و سپس توسط کنت فرامپتون مطرح شد و برای نشان دادن نوعی معماری معاصر بکار گرفته شد که نه برچسب بین المللی دارد و نه مفهوم فولکلوریک و یا مکان و معماری تاریخی. این نگرش با نگرش منطقه‌گرایی که در پی به دست آوردن تناظری یک به یک با معماری بومی است، متفاوت است و شکلی خاص از واکنش پست مدرنیسم در کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید (دیبا، ۱۳۷۹: ۳۷).

از دیدگاه تئوری انتقادی باید به فرهنگ محلی نه تنها به عنوان چیزی توجه کنیم که نسبتاً تغییر ناپذیر است، بلکه باید به عنوان روندی بدان نگریست که حداقل امروزی بوده و مستعد پرورش است. اساساً تدوام هرگونه فرهنگ واقعی در آینده نهایتاً به ظرفیت ما برای تولید اشکال مهم فرهنگ‌های اصیل محلی بستگی دارد (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴). بنابراین حصول به منطقه‌گرایی انتقادی، متکی بر بهره جویی از ویژگی‌های محلی هم در درون و هم در بیرون شکل‌های ساختمان مدرن است. این امر به معنی بازگشت به ساختمان سازی سنتی نیست (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴). مقصود از "انتقادی" آن است که اثر در ترکیب خود برخوردار از ویژگی‌های نو و سنتی است. در برخی نظریه‌ها، با توجه به زمینه و توجه به تاریخ می‌توانند به شکل معناداری با هم تداخل کنند. کنت فرامپتون، آن نوع از معماری را که در برابر گرایشی مقاومت می‌کند که می‌خواهد تفاوت‌ها فرهنگی را از میان برد و یک دستور زبان یکپارچه "معماری جهانی"^{۱۱} به وجود آورد، "منطقه‌گرایی انتقادی" می‌خواند (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

کربستین نوربرگ شولتز در سطح منطقه‌گرایی جدید [انتقادی] بیشتر یک رویکرد خلاق است تا یک رویکرد نوستالژیک (شولتز، ۱۳۹۱: ۵۴). برخی از نظریه‌پردازان از این رویکرد با عنوان «منطقه‌گرایی جدید»، «منطقه‌گرایی اصیل» و ... یاد می‌کنند، که این تفاوت اسامی به معنی تفاوت دیدگاه‌ها نمی‌باشد و تمامی این مفاهیم همان دیدگاه خردگرا و انتقادی به معماری منطقه‌گرایی را دنبال می‌کنند (شولتز، ۱۳۹۱: ۵۴). منطقه‌گرایی انتقادی مطرح شده توسط فرامپتون یکی از رویکردهای معماری در جهت پیوند بین ویژگی‌های بومی منطقه با مفاهیم جهانی است که بر اساس ده اصل زیر توسط کنت فرامپتون مطرح شده است (دیبا، ۱۳۸۶: ۳۷).

جدول ۳- ده اصل منطقه‌گرایی انتقادی مطرح شده توسط فرامپتون، منبع: (دیبا، ۱۳۸۶)

خلاصه
۱ ناحیه‌گرایی، بوم‌گرایی نیست.
۲ معماری مدرن یک سیاست فرهنگی و کارکردگرایی است.
۳ مفهوم ناحیه: ایجاد مکتب فرهنگ محلی به وسیله مخاطب متعدد است.
۴ رسانه‌ها موجب مخلوط شدن واقعیت با توهם (خیال) و التقاو انجاره‌های ذهن مخاطب شده اند.
۵ توسعه مدرن یعنی تکثیر یک حوزه جهانی و خصوصی و بی‌مکان که فاقد حوزه مدنی است. ↑ (تضاد بین نوع شناسی و مکان نگاری)
۶ آرکیتکتونیک یا تکنولوژی، بایستی نشان دهد که چگونه تخصص با طبیعت نه تنها از جنبه ثقل بلکه از لحاظ پایداری در گذر زمان و تحت تاثیر اقلیم تعامل دارد.
۷ معماری بایستی پاسخگوی تمام نیازهای طبیعت باشد.
۸ معماری باید به وسیله حس‌های دیگری به جز حس بینایی درک شود، که این در تضاد با منطق‌گرایی (خرد ورزی) است که در دوران رنسانس شروع شد.



ناحیه گرایی با هر دوی این ها در تناقض است. به این معنا که فرهنگی مخالفتی که از قراردادهای سبک شناختی مرسوم فاصله می‌گیرد (معماری مکان به جای معماری فضا).

بنابراین تئوری راهبردی است که در تحصیل معماری انسانی‌تر در مقابل تجریدهای جهانی و کلیشه‌های بین‌المللی به زعم فرامپتون، معماران در ساختمان‌هایشان می‌باید بیشتر به دنبال تنوع‌های منطقه‌ای باشند تا طراحی به شیوه یک دست و یک رنگ جهانی که می‌توان است بر فرهنگ برآمده از اشکال و شماile‌های مصرف گردد. معماران باید به تلفیق تأثیر تمدن جهانی و درونمایه‌های برآمده از خصوصیات یک مکان ویژه پردازند. او طرفدار احیای سبک‌های بزرگ و تاریخی یا تحقیر گونه‌های ساختمانی بومی نیست. فرامپتون کارهای آتو و اوتن، کان و برخی دیگر معماران را نمونه‌هایی از منطقه گرایی انتقادی برشمرد که در آن‌ها امر محلی و امر جهانی با هم ترکیب شده بودند (تسیتی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

اصول منطقه گرایی انتقادی

منطقه گرایی انتقادی از گرایشات سبک پست‌مدرنیسم و بعد از رویکردهای زمینه گرایی در راستای توجه بیشتر به بافت و زمینه طرح در سال ۱۹۸۳ توسط کنست فرامپتون در چهارچوب اصولی مطرح گردید. ضرورت چنین نگرشی قبل از فرامپتون توسط زونیس و لفور تا حدودی بیان شده بود. این رویکرد برخلاف پست‌مدرنیسم ضد تاریخ گرایی و ارجاع مستقیم به معماری گذشته می‌باشد. بر طبق نظرات کنست فرامپتون، منطقه گرایی انتقادی می‌باشد به صورت انتقادی معماری مدرن را بخاطر کیفیت‌های پیشرونده جهانی اش به خدمت بگیرد اما هم‌زمان به ویژگی‌های خاص زمینه احترام بگذارد (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

جدول ۴ - اصول منطقه گرایی انتقادی ، منبع: نگارنده‌گان

زونیس و لفور	فرامپتون	کرتیس	کلباو
رابطه دیالکتیک تمدن جهانی با سنت‌های بومی منطقه	تعامل تمدن جهانی با فرهنگ‌های منطقه‌ای	ترکیب وجوه مثبت زندگی شهری و روستایی	توجه به مکان
پرهیز از جریان‌های واپسگرا و عوام‌فریبانه	پرهیز از رویکردهای نوستالژیک و یا صرفاً زیبایی شناختی بومی	توجه به اصول و الگوهای ساختمانی	تعامل با طبیعت
بهره گیری از الگوهای طبیعی و اقلیمی بستر	توجه به مکان	پاسخگویی به شرایط محیطی	توجه به تاریخ
بهره گیری از الگوهای معماری بومی	توجه به الگوهای معماری بومی	بهره گیری از دستاوردهای مثبت مدرن و سنتی	بهره گیری از الگوهای ساختمانی بومی
اتخاذ موضع انتقادی	معماری برای تمام حواس	معماری برای ناپذیری از مکان	توجه به محدودیت‌ها
توجه به باورهای فرهنگی منطقه			

زونیس و لفور، در گفتگویی تحت عنوان - چالش پایان‌نایزیر منطقه گرایی - می‌گویند "سعی بر تأکید ویژگی‌های فرهنگی ما، اصلاح منطقه گرایی را بکار می‌گیریم. منطقه گرایی نه مفهومی تازه بود و نه توسط این معماران گفته شد. ما آن را بعد از مدتی به عنوان احترامی برای معمارانی در نظر گرفتیم که در راه سومی سعی در ساختن بنایی داشتند که از خصوصیات ارزشمند یک منطقه استفاده می‌کردند (Tzonis & Lefaire, 1981: 25). جنبه انتقادی بر ویژگی‌های مشترک معماری تأکید داشت که زمان خود را در نظر نمی‌گرفت. فرامپتون در نظریات خود یکسری اصول کلی را برای معماران ارائه داده است که این اصول به صورت دوتایی و به نوعی متضاد هم می‌باشند که به

نحوی اشاره به جنبه انتقادی بودن رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی دارد. نکات و اصول به صورت مختصر بر اساس نظرات فرامپتون در جدول زیر ذکر گردیده است:

جدول ۵-منطقه‌گرایی انتقادی برای تحلیل معماری، منبع: نگارندگان

A Bounded Architecture versus a Free - Standing Object	معماری کراندار به دنبال پیوستگی بین فرم ساخته شده از نظر فیزیکی و ارزش‌های فرهنگی است.
Architectonic versus Scenography	تقلیدهای احساسی و کپی‌برداری از اشکال معماری بومی را به جای تفسیر مردد چنین فرم‌ها و ترکیبیشان با عوامل موثر دیگر را به چالش می‌کشاند.
Climate and Local Conditions	نشان می‌دهد که معماری می‌باشد با مکان دیالوگ برقرار کند و به ویژگی‌های کالبدی یک منطقه پاسخ دهد.
The Visual versus the Tactile	محیط اطراف می‌تواند با سایر حواس درک شود؛ تا صرفاً توسط بینایی تنها باشد.

اصول معماری ایرانی

اصول معماری ایرانی را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: درونگرایی، پرهیز از بیهودگی، مردم‌واری، خودبسندگی، نیارش.

درونگرایی: اصولاً در ساماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان و به ویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون گرا ساخته است. معماران ایرانی با سامان‌دهی اندام‌های ساختمان در گردآمد یک یا چند میان سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد. خانه‌های درون گرا در اقليم گرم و خشک، همچون بهشتی در دل کویر هستند، فضای درونگرا مانند آغوش گرم بسته است و از هر سو رو به درون دارد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۵).

پرهیز از بیهودگی: در معماری ایرانی تلاش می‌شده کار بیهوده در ساختمان سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند. این اصل مهم‌هم پیش از اسلام و هم پس از آن مراتعات می‌شده است. در قرآن آمده مومنان، آنانکه از بیهودگی روی گردانند. اگر در کشورهای دیگر، هنرهای وابسته به معماری مانند نگارگری (نقاشی) و سنتگرایی (آذین) بشمار می‌آمده، در کشور ایران هرگز اینگونه نبوده است. گره‌سازی با گچ و کاشی و خشت و آجر و به گفته خود معماران، آمود و اندود، بیشتر بخشی از کار بنیادی ساختمان است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۴).

اگر نیاز باشد در زیر پوشش آسمانه (سقف) (پنام‌عایق) در برابر گرما و سرما ساخته شود یا افزار بنا که ناگزیر پر و پیمان است و نمی‌تواند به دلخواه معمار کوتاه‌تر شود، تنها با افزودن کاربن‌دی می‌توان آنرا کوتاه‌تر و باندام و مردم‌وار کرد. اگر ارسی و روزن با چوب یا گچ و شیشه‌های خرد و رنگین گره سازی می‌شود برای این است که در پیش آفتاب تند و گاهی سوزان، پناهی باشد تا چشم را نیازار و اگر گبیدی از تیزه (معماری ایرانی) تا پاکار با کاشی پوشیده می‌شود تنها برای زیبایی نیست. وانگهی باید واژه زیبا به معنای زیننده بودن و تناسب داشتن است و نه قشنگی و جمال (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۴).

مردم‌واری: مردم‌واری به معنای رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان سازی است و در ایران بیش از هر جای دیگر. در ایران هم مثل مکان‌های دیگر، معماری هنری وابسته به زندگی است. چنانکه در هر زمان روش زندگی بوده که برنامه ریزی کار معماری را پی‌ریخته است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۶).

معمار ایرانی بلندای درگاه را به اندازه بالای مردم می‌گرفته و وزن و روشنдан را چنان می‌آراسته که فروغ خورشید و پرتو ماه را به اندازه دلخواه به درون سرا می‌آورد. پهنهای اتاق خواب به اندازه یک بستر است و افزار طاقچه به اندازه ای است که نشسته و ایستاده به آسانی در دسترس باشد و از طرفی تالار که مخصوص مهمان است به اندازه‌ای پهناور و باشکوه بوده که شایسته پذیرایی باشد مردم‌واری در اندام‌(فضا)‌های ساختمان و اجزا آن چنین نمایان می‌شود که برای نمونه اتاق سه دری که بیشتر برای خوابیدن به کار می‌رود، به اندازه‌های است که نیاز یک خانواده را برآورده کند. اجزایی چون در و پنجره، تاقچه، رف و نیز پستویی که برای انبار رختخواب بکار می‌رفته اندازه‌هایی مناسب داشتند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۷).

روزن بالای پنجره یا کلچام معمولاً دارای شیشه‌های رنگی به رنگهای زرد و لیمویی و آبی بوده که این شیشه‌ها را از غرایه‌های شکسته بدست می‌آورند. برای جلوگیری گرما به درون، از ارسی بهره می‌برند یا دیوار آسمانه (سقف) را دو پوسته می‌ساختند تا لایه پنام (عایق) جلوگیر

گرما باشد. اگر خوابگاه ایرانی اندازه‌ای خرد و درخور گسترش یک یا دو بستر داشته، در برآورش تالار و سفره خانه‌ای باشکوه و پهناور بوده است. اگر خوابگاه خرد بوده، از آن خداوند خانه بوده و شایسته نبوده که بیگانه‌ای به آن راه یابد، اما تالار، باید که شایسته پذیرایی مهمان گرامی باشد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۷).

خوب‌بستگی: معماران ایرانی تلاش می‌کردند مصالح مورد نیاز خود را از نزدیک ترین نقاط ممکن به دست آورند و ساختمان‌ها را چنان می‌ساختند که نیازمند به مصالح جاهای دیگر نباشد و تنها به خود اکتفا کنند. به این ترتیب کار ساخت و ساز با شتاب بیشتری انجام می‌شود و ساختمان با طبیعت پیرامون خود سازگارتر بود و هنگام بازسازی و نوسازی نیز همیشه مصالح در دسترس است. معماران ایرانی بر این باور بودند که ساختمایه باید "بوم آورد" یا "ایدیری" (اینجایی) باشد. به گفته دیگر فراورده (محصول) همان جایی باشد که ساختمان ساخته می‌شود و تا آنجا که شدنی است از امکانات محلی بهره گیری شود. برای نمونه در ساخت تخت جمشید، بهترین سنگ را از یک کان (معدن) در نزدیکی دشت مرغاب بدست می‌آورند و با ارایه‌های چوبی به تخت جمشید می‌رسانند. این سنگ را بیشتر برای روکش دیوارهای ستبر خشتی بکار می‌برند. فرآوردن خشت نیز کار بسیار ساده‌ای بود (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۰).

نیارش: واژه نیارش در معماری گذشته ایران بسیار به کار می‌رفته است. نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و ساختمایه (مصالح) شناسی گفته می‌شده است. معماران گذشته به نیارش ساختمان بسیار توجه می‌کردند و آنرا از زیبایی جدا نمی‌دانستند. آن‌ها به تجربه، به اندازه‌هایی برای پوشش‌ها و دهانه‌ها و جرزها دست یافته بودند که همه بر پایه نیارش بدست آمده بود (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۹). «پیمون» اندازه‌های خرد و یکسانی بود که در هر جا در خور نیازی که بدان بود بکار گرفته می‌شد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۹).

یافته‌ها

جامعه، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این تحقیق مردم منطقه ۱۲، مردم محله فردوسی، لاله زار و جوانان بین رده سنی ۱۵ تا ۲۵ سال؛ در سال ۱۳۹۷ می‌باشند. کلیه اطلاعاتی که برای محاسبه استفاده گردیده است، براساس پاسخ جامعه آماری ذکر شده می‌باشد. تعداد نمونه بر اساس تخمین حدودی جامعه آماری (۴۶۰ نفر) و با استفاده از جدول مورگان برابر ۲۱۰ پرسشنامه تعیین شده است.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در ابتدا برای بررسی نرمالیتۀ بودن پراکندگی داده‌ها از آزمون کولموگروف اسپیرنوف استفاده و برای تعیین رابطه یا عدم رابطه معنادار فرضیه‌های تحقیق، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. برای تعیین رابطه فرضیه‌ها (درون گرایی، نیارش، خوب‌بستگی، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی) بعنوان متغیرهای مستقل با منطقه گرایی انتقادی بعنوان متغیر وابسته، از روش معادلات ساختاری PLS استفاده شده است. در نهایت برای رتبه بندی متغیرهای رابطه دار با منطقه گرایی انتقادی در این تحقیق از آزمون فریدمن استفاده می‌گردد.

آزمون نرمالیتۀ توزیع نمونه

برای آزمون فرض نرمال بودن متغیرهای تحقیق (درون گرایی، نیارش، خوب‌بستگی، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی)، از آزمون کولموگروف اسپیرنوف استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول ۶- آزمون کولموگروف - اسپیرنوف، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

	درون گرایی	نیارش	خوب‌بستگی	مردم‌واری	پرهیز از بیهودگی
Kolmogorov-Smirnov Z	۳۶۶۵۵	۳۶.۳۶	۳۶۴۰۷	۳۶۹۲۲	۳۶۶۴۳
Sig.(2-tailed)	.۰۶۰۰۴	.۰۶۰۵۱	.۰۶۰۶۹	.۰۶۰۸۰	.۰۶۰۵۳

با توجه به مقدار سطح معنی داری بیشتر از ۵٪ برای هر یک از متغیرهای تحقیق، فرض نرمال بودن توزیع نمونه رد نگردید.

ضریب همبستگی پیرسون

برای تعیین ضرایب رابطه یا عدم رابطه معنادار متغیرهای مستقل تحقیق با منطقه گرایی انتقادی، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که کلیه متغیرها با راهبردهای فراشناختی دارای رابطه معنی دار در جهت مستقیم بوده و این رابطه با ۹۹٪ اطمینان تأیید می‌گردد. نتایج آزمون در جدول شماره دو ارائه گردیده است.

جدول ۷- ضرایب همبستگی پیرسون فرضیه‌های مستقل ووابسته، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

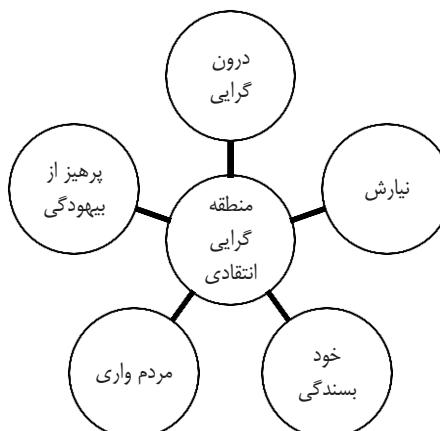
ضرایب همبستگی	Sig	نتیجه آزمون
درون گرایی	.۰۳۶۹۵۸۶	وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم
نیارش	.۰۰۱۶۷	وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم
خود بسندگی	.۰۶۳۱۲۳	وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم
مردم واری	.۰۶۳۰۶۲۸۸	وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم
پرهیز از بیهودگی	.۰۶۰۹۲۳۹۷	وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم

تحلیل و بررسی یافته‌ها

آنالیز فاکتور برای متغیرهای تحقیق

در این قسمت از روش آنالیز (تحلیل) فاکتور بر مبنای روش جدید و پیشرفته معادلات ساختاری VPLS (حداقل مربعات جزیی) به منظور تحلیل و بررسی ضرایب و رابطه متغیرهای تحقیق، برآورد ضرایب متغیرهای تحقیق و تعیین میزان تأثیرگذاری هر یک از متغیرها بر یکدیگر، استفاده می‌گردد. نمودار گرافیکی زیر خروجی نرم افزار VPLS که محتوای ضرایب متغیرها و معناداری آن‌ها (آماره t) می‌باشد، در شکل شماره یک ارائه گردیده است، در آورده شده است.

مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 0.6984$) می‌باشد و نشان دهنده این است که با تقریب ۸۹٪، تغییرات متغیر وابسته (منطقه گرایی انتقادی)، با متغیرهای مستقل (درون گرایی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری، پرهیز از بیهودگی)، در این تحقیق تبیین و توضیح داده می‌شوند. در جدول شماره سه ضریب تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و همچنین آماره t جهت بررسی معناداری متغیرها درج شده است.



شکل ۱- معادلات ساختاری نرم افزار VPLS ، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

جدول ۸- برآورد ضرایب مدل، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

تی - استیودنت	برآورد ضرایب مدل	نتیجه
منطقه گرایی انتقادی → درون گرایی	.۰۶۰	رابطه معنی دار در جهت مستقیم
منطقه گرایی انتقادی → نیارش	.۰۱۵	رابطه معنی دار در جهت مستقیم
منطقه گرایی انتقادی → خودبسندگی	.۰۲۹۴	رابطه معنی دار در جهت مستقیم
منطقه گرایی انتقادی → مردم واری	.۰۴۲۸	رابطه معنی دار در جهت مستقیم
منطقه گرایی انتقادی → پرهیز از بیهودگی	.۰۶۱۸۹	رابطه معنی دار در جهت مستقیم

مقدار تی - استیودنت برآورد هر یک از ضرایب مدل از مقدار (۱/۹۶) بیشتر است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت فرضیات تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ بصورت زیر تأیید می‌شود.

- با افزایش یک واحدی درون گرایی، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۰/۲۶۰ واحد افزایش می‌یابد.

- با افزایش یک واحدی نیارش، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۱۵۵/۰ واحد افزایش می‌یابد.
- با افزایش یک واحدی خودبستندگی، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۲۹۴/۰ واحد افزایش می‌یابد.
- با افزایش یک واحدی مردم واری، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۴۲۸/۰ واحد افزایش می‌یابد.
- با افزایش یک واحدی پرهیز از بیهودگی، منطقه گرایی انتقادی به اندازه ۶۱۸۹/۰ واحد افزایش می‌یابد.

اولویت‌بندی مواد منطقه گرایی انتقادی با استفاده از آزمون فریدمن

جهت رتبه بندی هر یک از مواد توسعه پایدار، از آنالیز واریانس غیرپارامتریک فریدمن استفاده شده است. نتایج رتبه بندی در جدول شماره چهار نشان داده شده است.

جدول ۹- نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

میانگین رتبه ای	رتبه
۴/۷۱	۱
۴/۲۷	۳
۳/۲۲	۴
۳/۱۹	۵
۴/۶۷	۲

همانطور که مشاهده می‌گردد ترتیب اولویت مواد منطقه گرایی انتقادی از رتبه یک به آخر به ترتیب عبارت است از: درون گرایی، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبستندگی، مردم واری.

نتیجه‌گیری

منطقه گرایی انتقادی بعنوان رویکردی در اتصال دست آوردهای مدرن و پست مدرن معماری با خصوصیات بومی گرایانه شایع شده است. با توجه به مطالب این مقاله چنین استنبط می‌شود که هدف از منطقه گرایی توجه به ویژگی‌های بستر سایت و محیط بومی آن می‌باشد. در دوره کنونی، نگرش منطقه گرایی انتقادی می‌تواند جنبه‌های انعطاف‌پذیر خویش مبنی بر گرایش دیدگاه طراحی ساختمان بر اصول اجتماعی و فرهنگی منطقه را تمایل سازد. این بینش بین زندگی مدرن و ویژگی‌های اکوسیستمی و زیست محیطی پیوندی مستحکم را به منظور افزایش رضایت استفاده کنندگان از بنا و ساختمان، به ارمنان می‌آورد.

فرهنگ هر منطقه گزینی از اصالت آن بوده و احترام به فرهنگ‌ها در یک فضای تساهل و تبادل متعادل می‌تواند کمک شایانی به پایداری توسعه، اقتصاد و معماری نماید. اصالت آثار معماری بازتابی از ارزش‌های ملی و پیشینه تاریخی آن منطقه است. همانگونه که ساخت بناهای جدید به سبک معماری پیشینیان می‌تواند باززنده سازی آثار تاریخی قلمداد گردد، همانگونه هم ساخت آثار مدرن و پست مدرن در جوامعی با سابقه تاریخی و پیشینه فرهنگی کهن، می‌تواند پیش سازی قرون آتی قلمداد گردد. از این رو معماری به سبک و سیاق منطقه گرایی انتقادی می‌تواند پلی میان سنت و مدرنیته در معماری قلمداد گردد.

در این مقاله تلاش گردید با استفاده از بررسی و آزمون رابطه یا عدم رابطه معنادار متغیرهای مستقل اصول معماری ایران (درون گرایی، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبستندگی، مردم واری) موردنظر مقاله، منطقه گرایی انتقادی مورد آزمون استقلال یا واپسگی قرار گیرد. از دیگر هدف‌های این مقاله رتبه بندی متغیرهای اصول معماری ایران در راستای توجه به رویکرد منطقه گرایی انتقادی با توجه به داده‌های قابل دسترس بود.

این مقاله به هدف خود دست پیدا کرد و موجب گردید که طراحان و معماران در جهت رسیدن به اهداف خود که طراحی بناهایی با رویکرد منطقه گرایی انتقادی است از اصول معماری ایران و منطقه گرایی تحت اولویت رتبه بندی شده، استفاده کنند. که میزان و تأثیر و نقش هر یک از اصول در جهت نیل به این هدف مشخص گردید و بیشترین تأثیر را خودبستندگی و درونگرایی و کمترین تأثیر را نیارش و فن ساخت داشت که می‌توان این نتیجه‌ی مهمن را گرفت که سازه و تکنولوژی و روش‌های نوین ساخت کمترین تأثیر و مانع را در نیل به هدف منطقه گرایی دارد و بدان معناست که می‌توان اصول معماری و اصالت معماری را با به روز ترین تکنولوژی ارائه کرد بدون اینکه از اصول منطقه گرایی خارج شد. و این همان حفظ اصالت و فرهنگ زمینه با بیان جهانی و مدرن است.

پی‌نوشت‌ها

۸. منطقه .
Lewis Mumford .
۹. ۱۰. فولکلور یا باور عامیانه را می‌توان مجموعه‌ای شامل افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، تاریخ شفاهی، ضربالمثل‌ها، هزلیات، باورهای عامه، رسوم دانست. فولکلور از دو کلمه انگلیسی فولک به معنی توده و لور به معنی دانش تشکیل شده است.
۱۱. Globalization در زبان انگلیسی برگرفته از واژه Global به معنی یکپارچه، سراسری و جهانی است.

۱. Critical Regionalism
۲. International Style
۳. SPSS نام یک نرم افزار آماری است که برای تجزیه و تحلیل آماری، خصوصاً تحلیل نتایج پرسشنامه‌های تحقیقات میدانی و همچنین آزمون فرضیات تحقیق و پایان‌نامه‌ها استفاده می‌شود.
۴. Post Modernism
۵. Symposium
۶. Henry Russell Hitchcock
۷. Modern

فهرست منابع

۱. ابل، ک. (۲۰۰۸). معماری و هویت، ترجمه فرج حبیب. نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. تهران، چاپ اول.
۲. اقدامی، الف، و قاسمی، م. (۱۳۹۶). طراحی مجتمع تجاری، فرهنگی با محوریت معماری زمینه گرا نمونه موردی در بافت سنتی کرمان. پنجمین کنگره علمی پژوهشی افق‌های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران، صفحات ۶۰-۶۷.
۳. بازیزیدی، ق، و اعتضاد، الف، و حبیب، ف.، و مختاری امرئی، م. (۱۳۹۲). جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر. نقش جهان، صفحات ۱۸-۷.
۴. پیرنیا، م. (۱۳۸۳). سبک شناسی معماری ایرانی. انتشارات سروش دانش، تهران، چاپ بیستم.
۵. تولابی، ن. (۱۳۸۰). زمینه گرایی در شهرسازی. مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۰، صفحات ۲۱-۱۳.
۶. جودت، م. (۱۳۸۱). ریشه‌های معماری مدرن، منطقه گرایی جدید. فصلنامه معماری ایران (ما). دوره سوم؛ شماره ۹، صفحات ۱۰۴-۸۲.
۷. حسینی، الف. (۱۳۹۰). تبیین و تدوین گرایش‌های معماری معاصر ایران با مطالعه معماری شهر تهران. مجله هویت شهر. شماره ۸، صفحات ۲۶-۱۷.
۸. حسین زاده دلیر، ح. (۱۳۸۹). برنامه ریزی ناحیه‌ای. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ نهم، تهران.
۹. دیبا، د. (۱۳۷۹). گفتگو کننده فرامپتون/داراب دیبا. مجله معماری و شهرسازی. صفحات ۶۰-۶۱.
۱۰. فروتن، م، و دزدار، الف، و دانا، م. (۱۳۹۲). بررسی تعامل معماری و بستر فرهنگی با رویکرد منطقه گرایی انتقادی. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری، صفحات ۳۸-۲۲.
۱۱. قبادیان، و. (۱۳۹۰). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، چاپ بیست و پنجم.
۱۲. کامل نیا، ح، و شایان، ح. (۱۳۸۷). منطقه گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره سوم. نشریه معماری و شهرسازی، شماره ۹۱-۹۰، صفحات ۱۵-۱۰.
۱۳. کشاورز، ف، و کمالی نژاد، ر، و صافی، م. (۱۳۹۴). الهام گرفتن از معماری ایرانی. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. شماره ۶، صفحات ۵۶-۴۵.
۱۴. گروتری، (۱۳۷۵). زیبایی‌شناسنامه در معماری. مترجم: جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول.
۱۵. سراج‌الدین، ا. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر منطقه گرایی در معماری مساجد. ترجمه سعید نوری‌نشاط، فصلنامه هنر، شماره ۳۳، صفحات ۶۳-۵۴.
۱۶. شایان، ح، و عینی فر، ع، و دیبا، د. (۲۰۰۸). معماری در زمینه‌ی بیگانه تحلیل نظریه‌ی منطقه گرایی تعاملی در تجارت دهه‌های ۶۰-۹۰ میلادی معماران غیر بومی در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس. پایان نامه دکتری معماری، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، صفحات ۶۰-۴۹.
۱۷. شولتز، ک. ن. (۲۰۰۷). گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، نشر جان جهان، تهران، چاپ اول.
۱۸. شولتز، ک. ن. (۲۰۰۷). ریشه‌های معماری مدرن. ترجمه محمدرضا جودت، انتشارات شهیدی، تهران، چاپ سوم.

۱۹. لنگ، ج. (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). مترجم علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ هشتم.
۲۰. مهدوی نژاد، م، ج، و محمدعلی خبری و عسکری مقدم، ر. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن. نشریه هویت شهر، شماره ۱، صفحات ۱۱۳-۱۲۲.
۲۱. میرمقندایی، م. (۱۳۸۳). معیارهای شناخت شهرها و ارزیابی هویت کالبدی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صفحات ۱۷-۲۲.
۲۲. نسبیت، ک. (۲۰۰۱). نظریه های پسامدرون در معماری. ترجمه محمدرضا شیرازی، نشر نی، تهران، چاپ هشتم.
۲۳. ویتروویوس. (۱۳۹۱). ده کتاب معماری. ترجمه ریما فیاض، دانشگاه هنر، تهران، چاپ اول.
۲۴. هلد، د. مک گرو، آ. (۱۳۸۲). جهانی شدن و مخالفان آن. ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول.
25. Berger, P. Thomas, L. (3885). *The Social Construction of Reality*, Harmondworht, Penguin.
26. Curtis, W. J. R. (1986). Toward an authentic architecture, In: MIMAR: architecture in Development, 19:24-31.
27. Curtis, W. J. R. (1996). *Modern architecture since 1900*, London/New York, Phaidon Press Limited Inc.
28. Frampton, K. (1981). Towards a Critical Regionalism: Six Points for an Architecture of Resistance, In: Foster, H. (Ed.), *The Anti Aesthetic Essays on Postmodern Culture*, London, Pluto Press.
29. Frampton, K. (1987). Ten Points on an Architecture of Regionalism: A Provisional Polemic, Austin: Texas, University of Texas press.
30. Heidegger, M. (1971). Building, dwelling, thinking. In: Poetry, language, thought New York, Harper Colophon.
31. Hurrell, A. (1995). "Regionalism in Theoretical Perspective", in Louis Fawcett and Andrew Hurrell, eds., *Regionalism in World Politics: Regional Organization and International Order*, Oxford and New York, Oxford University Press.
32. Kelbaugh, D. (1986). *Towards an Architecture of Place*, Arcade.
33. Kostof, S. (1995). *A History of Architecture Settings and Rituals*, New York, NY: Oxford University Press, pp. 19.
34. Miller, D. (2002). *The regional governing of metropolitan America*, West View Press.
35. Lawrence, R.Z. (2003). Regionalism, Multilateralism and Deeper Integration: Changing Paradigms for Developing Countries, in C. Roe Goddard, P. Cronin and K. Dash, eds., *International Political Economy: State –Market Relations in a Changing Global Order*, Basingstoke: Palgrave.
36. Ozkan, S. (1985). Introduction - Regionalism within Modernism. In *Regionalism in Architecture*, edited by Robert Powell. Singapore: Concept Media/The Aga Khan Award for Architecture 8-16
37. Palmer, Norman, D. (1991). *The New Regionalism in Asia and the Pacific*, Lexington: Lexington Books.
38. Recoeur, P. (1965), Universal civilizations and national culture". In: *History and truth*, Evanston, Northwestern university press.
39. Tzonis, A., & Lefavre, L. (1981) The Grid and the Pathway: An introduction to the work of Dimitris and Suzana Antonakakis, *Architecture in Greece*, 15:164.
40. Tzonis, A., & Lefavre, L. (1990). Why Critical Regionalism Today?, *Architecture and Urbanism* (A+U) Journal, 236(May) :22-33.